

Meta-analysis of the Research Carried out on Happiness in the Martyr Foundation and Veterans Affairs

ARTICLE INFO

Article Type

Analytic Review

Authors

Mousavi S.M.* PhD,
Soroush M.R.¹ MD, MPH,
Hoseini Motlagh S.M.¹ MSc

How to cite this article

Mousavi S M, Soroush M R, Hoseini Motlagh S M. Meta-analysis of the Research Carried out on Happiness in the Martyr Foundation and Veterans Affairs. *Iranian Journal of Isaar Studies*. 2020;1(3):133-142.

ABSTRACT

Introduction Happiness is one of the basic needs and desires of humans. In the present study, the status of happiness and its related factors were investigated among the members of the martyrs and veterans families with a meta-analysis of previous studies in the martyr foundation and veterans affairs. Only three studies were eligible for this meta-analysis.

Conclusion Totally, there is no significant difference between the mean scores of happiness in the members of the martyrs and veterans families and other people in society. However, the reason for the low level of happiness among the members of the martyrs and veterans families compared with other people (as suggested in some studies) is the harmful physical and mental effects of the war. The proof of this claim requires research with more precise methods, which unfortunately have been neglected in reviewed studies. The most important factors affecting happiness, compared with other factors that are less flexible, and advisable and can be used as policy, are some voluntary activities such as exercise, reading, religious activities, and social affairs, which promote happiness among the martyrs and veterans families. In the area of methodological components, identifying and extracting the fields and areas, in which the members of the martyrs and veterans families are routinely involved with and based on them some suggestions can be presented for improving their level of happiness, require more in-depth and precise studies that use qualitative data in addition to quantitative data and even more.

Keywords Happiness; Vitality; Exhilaration; Martyrs and Veterans Families; Meta-analysis; Qualitative Research

*Cooperative & social Welfare Department, Social Sciences Faculty, Yazd University, Yazd, Iran

¹Janbazan Medical & Engineering Research Center (JMERC), Tehran, Iran

Correspondence

Address: Adal Building, Humanities & Social Sciences Faculty, Pardis Building, Yazd University, Yazd, Iran
Phone: +98 (35) 31232932
Fax: -
mohsenmay@gmail.com

Article History

Received: May 14, 2017
Accepted: August 23, 2017
ePublished: September 5, 2020

CITATION LINKS

[1] Meta analysis of job satisfaction in educational organizations [2] Investigating the factors affecting spiritual strengthening, increasing vitality and prosperity and life expectancy in Veterans family families in Fars province [3] The effect of education on fordyce's happiness program on increasing the happiness of the children of martyrs, heroes and their families in Chaharmahal va Bakhtiari Province [4] Designing social research: The logic of anticipation [5] In search of happiness: Understanding an endangered state of mind [6] A sociological analysis of happiness, at micro-and macro-levels [7] Happiness: Theoretical approaches and empirical findings [8] Investigating the level of happiness and its effective factors in veterans and [9] The psychology of happiness [10] The subjective components of happiness and their attainment: A cross-cultural comparison between Italy and Cuba [11] Crossnational differences in happiness: Economic and cultural factors explored

فرامطالعه پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با شادمانی در بنیاد شهید و امور ایثارگران

سیدمحسن موسوی * PhD

گروه تعاون و رفاه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

محمدرضا سروش MD, MPH

مرکز تحقیقات مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، تهران، ایران

سیدمستجد حسینی مطلق MSc

مرکز تحقیقات مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: نشاط و شادمانی یکی از نیازها و خواسته‌های بنیادین انسان‌ها است. در پژوهش حاضر وضعیت شادمانی و عوامل مرتبط با آن را در میان اعضای خانواده‌های شاهد و ایثارگر با فرامطالعه پژوهش‌های قبلی انجام‌شده در بنیاد شهید و امور ایثارگران بررسی شد. تنها سه پژوهش شرایط حضور در این فرامطالعه را پیدا کردند.

نتیجه‌گیری: در مجموع تفاوت معنی‌دار و قابل توجهی در میانگین نمرات وضعیت شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر و مقایسه آن با میزان شادمانی اقشار دیگر و آحاد جامعه وجود ندارد. البته دلیل اندکی پایین‌تر بودن سطح شادمانی در میان خانواده‌های شاهد و ایثارگر نسبت به آحاد مردم (مطرح‌شده در برخی پژوهش‌ها)، آثار زیانبار جسمی و روحی ناشی از جنگ در آنها می‌باشد. اثبات این ادعا به پژوهش‌هایی با روش‌های دقیق‌تری نیاز دارد که متأسفانه در پژوهش‌های مرور شده، کم و بیش مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شادمانی، نسبت به عوامل دیگری که انعطاف‌پذیری اندکی دارند و بیشتر قابل توصیه و سیاست‌گذاری هستند، برخی فعالیت‌های خودخواسته یا ارادی مانند ورزش، کتاب‌خوانی، فعالیت‌های مذهبی و تقویت روابط اجتماعی است که به ارتقای سطح شادمانی در میان خانواده‌های شاهد و ایثارگر منجر می‌شوند. در حیطه اجزای روش‌شناختی، شناسایی و استخراج زمینه‌ها و عرصه‌هایی که اعضای خانواده‌های شاهد و ایثارگر عملاً به‌طور روزمره با آنها در ارتباط هستند و می‌توان بر پایه آنها پیشنهاداتی برای ارتقای سطح شادمانی ایشان ارائه داد، مستلزم پژوهش‌های عمیق‌تر و دقیق‌تری است که علاوه بر داده‌های کمی و حتی بیش از آن، از داده‌های کیفی نیز استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: شادمانی، نشاط، شادکامی، خانواده‌های شاهد و ایثارگر، فرامطالعه، پژوهش کیفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲

*نویسنده مسئول: mohsenmay@gmail.com

مقدمه

شادمانی یکی از عالی‌ترین اهداف زندگی انسان در سطح فردی و اجتماعی است. میل به شادبودن بی‌دلیل نیست. تجربه تاریخی انسان در مراحل تکامل خود نشان می‌دهد که برای داشتن روابط امن، سالم و معنی‌دار با دیگران، سهولت در تصمیم‌گیری‌ها، فراهم کردن فرصت برای رشد و پرورش استعدادها و خلق انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به برخورداری از روحیه و احساس مثبت افراد به زندگی خود وابسته است. همچنین شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی، امید و اعتماد همراه است و از این رو می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور، نقش تسریع‌کننده‌ای در فرآیند توسعه جامعه داشته باشد [1]. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه شادمانی نشان می‌دهد که اگر چه شادمانی به‌عنوان یک هدف مهم زندگی در بیشتر فرهنگ‌ها مورد توجه قرار گرفته است، اما منابع و عوامل موثر بر آن در فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، خود واژه شادمانی و نشاط نیز توسط فرهنگ‌های مختلف به‌گونه‌های نسبتاً متفاوت و متنوعی مورد درک و فهم قرار گرفته و لایه‌ای از نسبی‌گرایی و واگرایی مفهومی، بر بُعد ثابت زیستی-روانی آن سایه انداخته است [2, 3].

پژوهش‌ها در این خصوص، بر نقش ساختارها و نظام‌های حاکم بر جامعه تأکید می‌کنند زیرا از یک‌سو ممکن است شادمانی در یک فرهنگ، ماهیت و کیفیت خاصی را یافته که احتمالاً نسبت به سایر فرهنگ‌ها، درجاتی از تفاوت و تمایز دارد و از سوی دیگر عوامل موثر بر آن نیز تا حد زیادی به شرایط ساختاری اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وابسته است. از طرف دیگر جامعه از افراد، اقشار و گروه‌های مختلفی تشکیل شده که در تعامل با یکدیگر، حیات فردی و اجتماعی خود را سامان می‌دهند و شادی و رضایت افراد در بستر همین تعاملات صورت می‌گیرد. یکی از گروه‌ها و اقشار شکل‌گرفته پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه طی ۸ سال جنگ تحمیلی در ایران، افراد و خانواده‌های محترم شاهد و ایثارگر هستند. این گروه به‌دلیل آسیب‌های جسمی و روانی و شرایط ویژه‌ای که تجربه کرده یا می‌کنند، ممکن است روحیات و خُلقیات خاصی بر آنها غلبه یافته و به‌خصوص شادمانی و رضایت از زندگی در آنها، کم‌وکیف خاصی به خود گرفته باشد. آنچه که اهمیت پژوهش و کندوکاو در این زمینه را برجسته می‌کند، توجه به این واقعیت است که جانبازان و ایثارگران نماینده کسانی هستند که به‌خاطر آرمان‌های دینی و انسانی، جان خود را در معرض خطر قرار داده و اکنون بازماندگان آنها بیش از هرچیز نیازمند امید، روحیه، رضایت، نشاط، خوش‌خُلقی و سلامت روحی و روانی هستند تا بتوانند راه آن عزیزان را با انگیزه و توان بیشتری ادامه دهند و همچنین برای افراد و اقشار دیگر جامعه، الگوی خوب و شایسته‌ای از ایثارگری برجای گذارند. آنها می‌توانند با تحمل رنج‌ها و کنارآمدن با آسیب‌های ناشی از جنگ و رضایت درونی از فداکاری که شهدا، جانبازان و آزادگان در راه دفاع از میهن انجام دادند، راه ایثارگری آنها را همچنان ادامه دهند.

هدف این جستار، ارزیابی و بازاندیشی در نتایج پژوهش‌هایی است که در بنیاد شهید و امور ایثارگران حول موضوع شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر انجام شده است. مطالعه و ارزیابی این پژوهش‌ها بیش و پیش از هر چیز، به مدیران و سیاست‌گذارانی کمک می‌رساند که قصد دارند با جمع‌بندی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، برنامه‌ها و اقدامات آینده خود را بر این مبنا استوار سازند.

هدف پژوهش حاضر فرامطالعه‌ای روی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با شادمانی در بنیاد شهید و امور ایثارگران بود. انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره تحقیقات انجام‌شده در موضوع خاصی را به‌شیوه نظام‌مند و علمی، در مقابل پژوهشگران قرار می‌دهند، به‌طور روزافزون گسترش یافته است. یکی از روش‌هایی که به‌منظور بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی تحقیقات گذشته در چندسال اخیر معرفی شده، فرامطالعه است. فرامطالعه یک تجزیه و تحلیل عمیق از پژوهش‌های انجام‌شده در یک حوزه خاص است. پژوهش حاضر را می‌توان نوعی فرامطالعه دانست زیرا پژوهش‌های پیشین را با روش کتابخانه‌ای (بررسی متون و اسناد) بررسی کرد. صبغه این نوشتار بیش از آنکه از نوع نقد و بررسی شکلی و محتوایی متون مورد نظر باشد، به "تخلیص و مقایسه نتایج" و همچنین "ارزیابی اجزا روش‌شناختی" این متون اختصاص دارد. هماهنگ‌سازی مقیاس میانگین نمرات شادمانی در پژوهش‌های مختلف برای تفسیر بهتر نتایج، مقایسه میانگین نمرات شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر با افراد عادی، استخراج عوامل موثر معنی‌دار بر سطح شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر و در نهایت بررسی سازگاری نتایج پژوهش‌ها با یکی از نظریات تبیین‌کننده شادمانی [4]. از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده

داشت. جامعه مورد پژوهش را کلیه خانواده‌های شاهد و ایثارگر تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۸۷ تشکیل دادند. حجم جامعه مورد پژوهش از مراکز شهرستان‌های شهرکرد، اردل و کیار، بروجن، لردگان، فارسان و کوهرنگ و حومه‌های این شهرستان‌ها جمع‌آوری شد که این تعداد بالغ بر ۶۰۶۲ نفر و در محدوده سنی ۱۳ تا ۶۰ سال قرار داشتند. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای- تصادفی بود که براساس فرمول کوکران، ۶۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند که از این تعداد ۲۰۰ نفر فرزند شهید، ۱۰۰ نفر همسر شهید، ۱۰۰ نفر پدر و مادر شهید و ۲۰۰ نفر جانباز و آزاده بودند. از بین نمونه اولیه ۶۰۰ نفری، نمونه‌ای به حجم ۸۰ نفر آزمودنی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس این گروه ۸۰ نفری با روش گمارش تصادفی به دو گروه ۴۰ نفری آزمایش و گواه تقسیم شدند. متغیر مستقل یعنی آموزش شادی به مدت سه ماه در مورد افراد گروه آزمایش ارایه شد و در نهایت پس از آزمون در مورد هر دو گروه آزمایش و گواه بعد از اتمام دوره آموزش شادی اجرا شد. نتایج به دست آمده مورد مقایسه قرار گرفت و میزان اثر بخشی آموزش شادی مشخص شد.

در این پژوهش از دو پرسش‌نامه شامل پرسش‌نامه عوامل موثر بر شادمانی (شامل عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی که به صورت خودساخته تنظیم و اعتبار و روایی آن محرز شده بود) و پرسش‌نامه شادی فوردایس (روایی آن در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین مورد تایید بود) استفاده شد. عامل فردی شامل عوامل شخصیتی و خصوصیات مربوط به آن مانند اعتماد به نفس، اراده، توانمندی، تیپ شخصیتی، سلامتی و توانایی‌ها، سن، جنسیت، تحصیلات و اوقات فراغت بود. عامل اجتماعی ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر محیط اجتماع مانند مذهب، وضعیت اقتصادی، رضایت شغلی، فرهنگ جامعه و نهادها را شامل می‌شود. عامل خانواده نیز خصایص و شرایط جاری بر یک خانواده را شامل شده و مواردی مثل رضایت‌مندی از زندگی خانوادگی، روابط مثبت و سازنده افراد یک خانواده در کنار یکدیگر و مسایل درون خانوادگی مانند مدیریت خانواده، روابط فرزندان و رضامندی آنها را در برمی‌گیرد. چگونگی اجرا و آموزش برنامه شادی شامل تعداد جلسات، محتوی آموزش داده شده و اهداف ویژه هر جلسه در فصل سوم به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

بررسی میزان شادکامی و عوامل موثر بر آن در جانبازان و ایثارگران

این پژوهش توسط نوفرستی^[6] در سال ۱۳۹۱ و با هدف بررسی میزان شادکامی در جانبازان و ایثارگران و همسران آنها و تعیین عوامل موثر بر شادکامی آنها و ارایه راه‌کارهایی برای افزایش شادکامی در این جمعیت انجام شده است. سؤال‌های پژوهش اینگونه صورت‌بندی شد:

- ۱- میزان شادکامی در جانبازان و ایثارگران چقدر است؟
 - ۲- سهم هر یک از عوامل شخصیت، شرایط زندگی و فعالیت‌های ارادی در تعیین شادکامی جانبازان و ایثارگران چقدر است؟
- دسته‌بندی عوامل مربوط به سؤال دوم (عوامل شخصیت، شرایط زندگی و فعالیت‌های ارادی)، بر "الگوی شادکامی پایدار" ارایه شده لیویومرسکی و همکاران^[4, 7, 8] مبتنی است. در این پژوهش شرایط زندگی به عواملی مانند سن، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل، درآمد، سلامت جسمانی و سلامت روانی گفته می‌شود که با استفاده از مصاحبه ساختاریافته سنجیده می‌شود. شخصیت در این

بحث در بخش تخلیص و مقایسه نتایج پژوهش‌ها به شمار می‌آیند. در بخش ارزیابی اجرا روش شناختی پژوهش‌ها نیز عناصر عمده و گزینش‌هایی که در فرآیند طراحی و اجرای پژوهش‌های یادشده توسط محققین (به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه) دنبال شده است و همچنین گزینه‌های بدیل دیگری که می‌توانست مورد توجه ایشان قرار گیرد، مورد بحث واقع شد.

لازم به ذکر است که پس از مذاکره با دفتر مطالعات و پژوهش‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۳ پژوهش احصا شد که مستقیماً موضوع شادمانی (البته با تعابیر مختلفی از قبیل شادی، نشاط، شادکامی) و عوامل موثر بر آن را هدف قرار داده بود و هر کدام در زمان‌ها و مکان‌های متفاوتی به انجام رسید. لازم به ذکر است که این تعداد، مربوط به پژوهش‌هایی است که به سفارش بنیاد و با حمایت آنها انجام شد و در صورت جست‌وجوی بیشتر، پژوهش‌های دیگری نیز به چشم خواهند خورد که شادمانی را به نحوی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر بررسی کرده‌اند. علی‌ای حال، مطالعه و ارزیابی ۳ پژوهش یادشده براساس توصیه مسئولین مرکز مطالعات بنیاد شهید صورت گرفت.

تخلیص و مقایسه نتایج پژوهش‌ها

در این بخش ابتدا سئوالات و روش هر پژوهش به طور خلاصه و جداگانه بازگو و سپس نتایج در دو بخش اصلی (توصیف و تبیین) تخلیص و مقایسه شد. نتایج فرعی این پژوهش‌ها که ارتباط کمتری با اهداف این جستار دارند، به منظور گزیده‌نویسی در اینجا ذکر نشده‌اند و علاقه‌مندان می‌توانند متون چاپ شده حاصل از این پژوهش‌ها را مطالعه کنند.

تاثیر آموزش برنامه شادی فوردایس بر افزایش شادمانی فرزندان شهدا، ایثارگران و خانواده‌های آنها در استان چهارمحال و بختیاری

این پژوهش در سال ۱۳۸۷ توسط بختیاری نصرآبادی^[5] و در استان چهارمحال و بختیاری انجام شد. پژوهشگران چهار سؤال محوری خود را طبق موارد زیر برشمردند:

- میزان شادی و نشاط در خانواده شهدا و ایثارگران تا چه حد است؟

- عوامل نشاط‌آفرین در محیط خانواده و خارج از آن کدام هستند و میزان اثرگذاری آنها بر شادی در چه حد می‌باشد؟

- اثر آموزش برنامه شادی فوردایس بر خانواده‌های شاهد و ایثارگر چقدر است؟

- میزان دانش و تحصیلات چه اثری بر میزان نمره شادی خانواده‌های شاهد و ایثارگر داشته است؟

تعریف شادمانی، واکاوی مفاهیم هم‌خانواده آن، اهمیت و جایگاه شادی در زندگی، ارتباط شادمانی با ابعاد شخصیت، شاخص‌های سنجش شادمانی، دسته‌بندی عوامل موثر بر آن به دو بخش عوامل "درونی" و "بیرونی" و در نهایت بحثی پیرامون شیوه‌های افزایش سطح شادمانی (که اصول شناختی-رفتاری فوردایس یکی از آنهاست) از مهمترین موضوعاتی است که در فصل دوم پژوهش مطرح شده است. پژوهش بختیاری نصرآبادی^[5] از نوع توصیفی-راهبردی و در دو مرحله انجام شده است. پژوهش در مرحله اول در پی آن بود که وضعیت عمومی شادی و نشاط را در خانواده‌های شاهد و ایثارگر بررسی کند. در مرحله دوم، پژوهش با اثرگذاری آموزش، قصد در بهبود و افزایش شادمانی افراد تحت مطالعه

پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه شخصیتی نئو (هنجاریابی شده در ایران) اندازه‌گیری می‌شود. براساس مدل مورد بررسی، شخصیت از پنج بُعد اصلی تشکیل شده که شامل روان‌رنجورخوبی، برون‌گرایی، سازگاری، توافق و وظیفه‌شناسی است. فعالیت‌های ارادی نیز با استفاده از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته، سنجیده می‌شود. از نظر لیویومرسکی و همکاران^[4] شرایط زندگی ۱۰٪، شخصیت ۵۰٪ و فعالیت‌های ارادی ۴۰٪ واریانس شادکامی را تبیین کردند.

بنا به اظهار پژوهشگر، این پژوهش از حیث هدف، جزء پژوهش‌های بنیادی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع مطالعه‌های توصیفی (پیمایشی) بود. پژوهش نوفرستی^[6] از این جهت که آزمون نظریه شادکامی لیویومرسکی در جمعیت ایثارگران را دنبال کرد از نوع بنیادی و از این جهت که وضعیت شادکامی را در جامعه ایثارگران بررسی کرد، پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جانبازان، همسران جانبازان، آزادگان، همسران آزادگان و همسران شهید در کل ایران که فهرست اسامی آنها در بنیاد شهید و امور ایثارگران استان‌های ایران در نیمه دوم سال ۹۱ وجود دارد، تشکیل دادند. از جامعه آماری پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۱۱۳۵ نفر به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای - سهمیه‌ای - نامساوی انتخاب شد. بدین‌منظور، ابتدا کل ایران براساس موقعیت جغرافیایی به پنج طبقه شمال، مرکز، جنوب، شرق و غرب تقسیم و از هر منطقه دو استان به‌صورت تصادفی انتخاب شد. استان گلستان و مازندران از شمال، استان تهران و اصفهان از مرکز، استان بوشهر و خوزستان از جنوب، استان خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان از شرق و استان کرمانشاه و آذربایجان غربی از غرب، استان‌های انتخاب‌شده برای انجام پژوهش بودند. پس از انتخاب استان‌ها با توجه به حجم جامعه آماری در هر استان که از مرکز اطلاعات و آمار بنیاد شهید استان به‌دست آمده بود، تعداد نمونه هر استان مشخص شد. بعد از انتخاب حجم نمونه در هر استان، از فهرست اسامی ایثارگران، افراد گروه نمونه به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش شامل مقیاس شادکامی آکسفورد (شامل ۲۹ ماده ۴گزینه‌ای)، پرسش‌نامه شخصیتی نئو (شامل ۵ عامل شخصیت با ۴۴ سؤال که هر سؤال پنج گزینه داشت)، پرسش‌نامه فعالیت‌های ارادی (شامل ۲۶ فعالیت ارادی) و پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (ویژگی‌هایی مثل سن، جنس، وضعیت تاهل، شغل، تحصیلات، نوع جانبازی) بودند.

بررسی عوامل موثر بر تقویت روحیه، افزایش نشاط و شادابی و امید به زندگی در خانواده‌های ایثارگر استان فارس

این پژوهش در سال ۱۳۹۳ توسط *بابانظری*^[9] انجام شده است. سئوال‌ات این پژوهش شامل موارد زیر است:

- آیا بین میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی اعضای خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
- آیا میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی نسل قدیم و جدید خانواده‌های ایثارگر استان فارس تفاوت معنی‌داری دارد؟
- آیا میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی اعضای خانواده‌های ایثارگر (همسر شهید، فرزند شهید، جانباز، همسر جانباز، فرزند جانباز) استان فارس تفاوت معنی‌داری دارد؟
- آیا میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی زنان و مردان در خانواده‌های ایثارگر استان فارس تفاوت معنی‌داری دارد؟

- آیا میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی اعضای مجرد و متاهل خانواده‌های ایثارگر استان فارس تفاوت معنی‌داری دارد؟

- آیا بین میزان سن با روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین سطح درآمد با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان سطح تحصیلات با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان ورزش با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان مطالعه با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان تقید به اعمال مذهبی با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان حمایت اجتماعی با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- آیا بین میزان پذیرش جایگاه ایثار و شهادت با میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

- هر کدام از متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل، سن، سطح تحصیلات، سطح درآمد، میزان مطالعه، میزان ورزش، تقید به اعمال مذهبی، حمایت اجتماعی و پذیرش جایگاه ایثار و شهادت چه مقدار از میزان روحیه، شادمانی و امید به زندگی خانواده‌های ایثارگر استان فارس را پیش‌بینی می‌کند؟

- در پژوهش همبستگی *بابانظری*^[9] به همسر و فرزندان شهدای جنگ تحمیلی ایران و عراق، جانبازان بالای ۲۵٪ و همسر و فرزندان ایشان، خانواده ایثارگر اطلاق شد و جامعه آماری آن کلیه افراد خانواده‌های ایثارگر استان فارس بودند. حجم نمونه با فرمول کوکران ۴۸۷ نفر بود، اما با توجه به احتمال ریزش نمونه به عدم پاسخ‌دهی کامل به گویه‌های مطرح‌شده در ابزارهای پژوهش حجم تقریبی ۶۰۰ نفر برای نمونه در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری، روش خوشه‌ای - مرحله‌ای و بدین‌صورت بود که در مرحله اول ابتدا چهار منطقه (شمال، جنوب، شرق و غرب) استان فارس انتخاب شدند. در مرحله بعد این شهرستان‌ها با توجه به حجم جامعه شاهد و ایثارگر همگون‌سازی و به دو گروه پرجمعیت و کم‌جمعیت تقسیم شدند. در مرحله بعد از هر یک از این مناطق جغرافیایی ۲ شهرستان پرجمعیت و کم‌جمعیت انتخاب و با مراجعه به بنیاد شهید این شهرها، آزمودنی‌ها به‌طور تصادفی از هر شهر انتخاب شدند. لازم به ذکر است که حجم نمونه در هر شهرستان براساس میزان جمعیتی که افراد شاهد با توجه به کل جامعه شاهد و ایثارگر استان فارس داشتند، برگزیده شدند. شهرستان‌های منتخب شامل شیراز، کازرون، آباده، مرودشت، داراب، لار، ارسنجان و نی‌ریز و نوع ایثارگری در پژوهش *بابانظری*^[9] شامل همسر شهید، فرزند شهید، جانباز، همسر جانباز و فرزند جانباز بودند.

ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش شامل پرسش‌نامه امید به زندگی میلر (با ۴۸ سؤال ۵گزینه‌ای)، پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (با ۲۹ ماده ۴گزینه‌ای)، مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه

دیگر انجام شد. همچنین نمرات ستون آخر شامل میانگین نمرات شادی افراد در مقیاس جدید صفر تا صد (به جای مقیاس صفر تا ۸۷، براساس نمره‌گذاری پرسش‌نامه آکسفورد) که در این تحقیقات گزارش نشد اما قابل محاسبه توسط محقق بود، این اقدام موجب شد جایگاه و وضعیت نمرات شادی به‌خصوص در مقایسه با نقطه وسط طیف، با فهم بیشتری امکان‌پذیر شود. مقادیر ستون آخر نشان دادند میانگین نمرات شادی در دو پژوهش اول (مربوط به خانواده‌های ایثارگر)، از حد وسط طیف پایین‌تر و علاوه بر این، در مقایسه با میانگین نمرات شادی در گروه‌های دیگر نیز اندکی پایین‌تر بود. به‌منظور بررسی دقیق‌تر این تفاوت‌ها، به مقایسه دوبه‌دو این میانگین‌ها از طریق آزمون t دو نمونه مستقل پرداخته شد. نتایج اجرای این آزمون نشان داد بین میانگین نمرات شادی در پژوهش نوفرستی^[6] که در خانواده ایثارگران انجام شد (۳۹/۷۵±۱۵/۲۱) و میانگین نمرات هر کدام از سه پژوهشی که خارج از این گروه انجام شده (۴۲/۲۸±۱۳/۹۳، ۴۸/۷۳±۱۳/۶۶ و ۴۴/۳۸±۱۳/۳۸) تفاوت معنی‌داری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود داشت. اما در مورد پژوهش *بابانظری*^[9] که در میان خانواده ایثارگران (البته استان فارس) انجام شد، نتایج آزمون‌های مکرر نشان داد که بین میانگین نمرات شادی در این پژوهش (۴۱/۶۱±۱۴/۲۲) و میانگین نمرات شادی پژوهش موسوی^[10] که میان شهروندان عادی یزد و تهران انجام شد (۴۲/۲۸±۱۳/۹۳)، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. اما با دو پژوهش *عابدی* و *نشاط‌دوست* تفاوت معنی‌دار داشت (جدول ۱). در اینجا بد نیست اشاره شود که براساس نتایج پژوهش اول مرور شده^[5] که با استفاده از پرسش‌نامه شادکامی فوردایس، میزان شادی در خانواده‌های شهید و ایثارگر استان چهارمحال و بختیاری سنجیده شده بود، طبق درجه‌بندی شادی در گروه‌های ضعیف، متوسط، خوب، خیلی خوب و عالی، میانگین شادی خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران در حد شادی خوب (۶۰/۰۹±۱۰/۳۲) ارزیابی شد.

ناگفته نماند بخشی از پایین‌بودن شادمانی و نشاط ایثارگران، همان طور که در پژوهش‌های مرور شده نیز به آن اشاره شده، به‌خاطر آثار زیانبار جسمی و روحی ناشی از جنگ است. اینکه تا چه‌اندازه این واقعیت، موجب متفاوت‌بودن میزان شادی میان خانواده ایثارگران و خانواده‌های عادی شده است را می‌توان از طرق مختلفی ثابت کرد. این کار از راه غیرمستقیم و با بررسی و مقایسه میزان افسردگی، اختلالات روحی، اضطراب و از این دست عواملی که نقطه مقابل شادی و نشاط هستند، قبلاً انجام شده است. نتایج این پژوهش‌ها، اغلب تفاوت‌هایی را در این زمینه گزارش کرده‌اند. یکی از راه‌های دیگر برای دستیابی بدین‌منظور، مقایسه وضعیت شادمانی میان خانواده‌های شهید و ایثارگر با خانواده‌هایی است که به هر دلیلی یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده یا دچار معلولیت جسمی/روانی هستند. راه دیگری که برای بررسی و اثبات این موضوع به‌نظر می‌رسد این است که رابطه بین "میزان آسیب‌دیدگی" اولیه جسمی یا روحی در خانواده‌های ایثارگر و میزان شادمانی فعلی اعضای خانواده آنها بررسی شود تا نقش این عامل در میزان شادی اعضای خانواده‌ها مشخص شود. در این خصوص همچنین، مقایسه تفاضل نمرات شادمانی افراد و خانواده‌های عادی با خانواده‌های شهید و ایثارگر در دو یا چند کشور نیز می‌تواند نتایج جالب و مفیدی حاصل کند^[11]. بدین‌صورت که اگر در کشورهای دیگر، وضعیت مشابه ایران گزارش شده است، می‌توان این وضعیت را تا حدی طبیعی و مرسوم قلمداد کرد اما اگر در کشورهای دیگر، این تفاوت‌ها کمتر باشد، باید روش مبارزه با

منفی (برای اندازه‌گیری روحیه دارای ۱۲ گویه ۵‌گزینه‌ای) و پرسش‌نامه عوامل روانی اجتماعی که شامل ۲ بخش بود. بخش اول اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد، تاهل، درصد جانبازی و غیره) و بخش دوم به‌منظور سنجش عوامل روانی اجتماعی تهیه شده که شامل پرسش‌نامه‌های مقیاس عمل به باورهای دینی (۲۵ سؤال ۵‌گزینه‌ای)، پرسش‌نامه حمایت اجتماعی ادراک شده (۱۲ گویه ۵‌گزینه‌ای)، پرسش‌نامه سنجش تمایل به ورزش (۲۰ سؤال ۵‌گزینه‌ای)، پرسش‌نامه فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی (۲۰ سؤال ۵‌گزینه‌ای)، پرسش‌نامه نگرش به ایثار و شهادت (۱۰ گویه ۵‌گزینه‌ای) بودند. در ادامه این بخش نتایج پژوهش‌های مذکور ذیل دو عنوان الف) وضعیت شادمانی و ب) عوامل موثر بر آن در میان خانواده‌های شاهد و ایثارگر، مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفت.

وضعیت شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر: خوشبختانه یافته‌های سه پژوهش مرور شده، یک همگرایی نسبی داشتند و می‌توان از مجموع آنها به یک‌سری گزاره‌ها و نتایج کلی دست یافت. در این بخش به ارزیابی و مقایسه میانگین نمرات شادی به‌دست‌آمده از تحقیقات مرور شده و همچنین مقایسه این نمرات با تعدادی از تحقیقاتی که جامعه آماری آنها متفاوت و شامل کلیه افراد عادی یا اقشار خاص دیگر جامعه بود، پرداخته شد. با توجه به اینکه از سه پژوهش مرور شده، دو مورد براساس پرسش‌نامه شادی آکسفورد (نوفرستی و *بابانظری*) و یکی با پرسش‌نامه شادی فوردایس (*بختیارنصرآبادی*)، میزان شادی در افراد و خانواده‌های ایثارگر را بررسی کردند و همچنین با عنایت به اینکه در پژوهش‌های ایرانی عمدتاً از پرسش‌نامه آکسفورد استفاده شده است، در اینجا نیز میانگین نمرات شادی دو پژوهش مذکور و تعدادی از پژوهش‌های دیگر که از پرسش‌نامه آکسفورد استفاده کرده‌اند، برای مقایسه و ارزیابی گزارش شده است (جدول ۱).

جدول ۱) مقایسه میانگین آماری نمرات شادی به‌دست آمده از پرسش‌نامه آکسفورد در پژوهش‌های مختلف

پژوهشگر	سال	جامعه مورد پژوهش	نمرات شادی آکسفورد (مقیاس صفر تا ۸۷)	نمرات شادی (مقیاس صفر تا ۱۰۰)
نوفرستی	۱۳۹۱	جانبازان، آزادگان، همسران آزادگان و همسران شهدا	۳۹/۷۵±۱۵/۲۱	۴۵/۶۹±۲۶/۲۲
<i>بابانظری</i>	۱۳۹۳	همسران و فرزندان شهید، جانبازان، همسران و فرزندان جانبازان از استان فارس	۴۱/۶۱±۱۴/۲۲	۴۷/۸۳±۲۴/۵۱
موسوی	۱۳۹۲	شهروندان عادی از دو استان یزد و تهران	۴۲/۲۸±۱۳/۹۳	۴۸/۶۰±۲۴/۰۲
<i>نشاط‌دوست</i> و همکاران	۱۳۸۸	کارکنان شرکت فولاد مبارکه اصفهان و همسران آنها	۴۸/۷۳±۱۳/۶۶	۵۶/۰۱±۲۳/۵۵
<i>عابدی</i> و همکاران	۱۳۹۰	دانشجویان دانشگاه اصفهان	۴۴/۳۸±۱۳/۳۸	۵۱/۰۱±۲۳/۰۷

جامعه مورد مطالعه دو پژوهش اول (نوفرستی و *بابانظری*) خانواده‌های شهدا و ایثارگران بود و پژوهش‌های دیگر در گروه‌های

آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از جنگ و چگونگی ارتقای سطح شادمانی افراد درگیر با این آسیب‌ها را در آن کشورها بررسی کرد. لازم است تمام این پیشنهادات به‌منظور ارزیابی وضع موجود شادی و نشاط میان خانواده‌های شاهد و ایثارگر و تبیین مساله شادی در آنها بررسی شود که متاسفانه در پژوهش‌های مرور شده، کم‌وبیش مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. در بخش‌های بعد، ذکر خواهد شد که علاوه بر روش‌های کمی، از روش‌های کیفی نیز می‌توان برای شناسایی و ارزیابی وضعیت شادمانی و عوامل موثر بر آن میان افراد و خانواده‌های شهدا و ایثارگر بهره برد که جای خالی

آنها در این میان، شدیداً احساس می‌شود.

عوامل موثر بر شادمانی میان خانواده‌های شهید و ایثارگر: در این بخش به عوامل ذکر شده در سه پژوهش مذکور موثر بر میزان شادمانی افراد و اعضای خانواده‌های شهید و ایثارگر، پرداخته شد. با توجه به اینکه ملاک ورود متغیرهای مستقل یا فرضیات در فراتحلیل، تکرار آنها در حداقل ۵ مورد (پژوهش) است [12]، امکان انجام فراتحلیل نبود اما بدون انجام تحلیل‌های آماری (لازمه یک فراتحلیل)، به جمع‌بندی و ارزیابی نتایج پژوهش‌ها در این زمینه اقدام شد (جدول ۲).

جدول ۲) جمع‌بندی عوامل موثر بر شادمانی براساس یافته‌های پژوهش‌ها

پژوهشگر	سال	جامعه مورد پژوهش	عوامل موثر معنی‌دار بر میزان شادمانی
بختیار نصرآبادی	۱۳۸۷	فرزندان شهدا، پدران و مادران شهدا، جانبازان و آزادگان استان چهارمحال و بختیاری	سطح تحصیلات و عوامل فردی (برخورداری از حس تعادل عاطفی، به‌یاد خدابودن و اعتقاد به معنی‌داری زندگی، برون‌گرایی، گذشت، خوش‌بینی، خلق مثبت، یکپارچگی هویت، توانایی و قدرت مقابله با استرس‌ها، عزت نفس، فعال بودن، منطقی بودن) نقش موثری در شادمانی دارند. نقش عوامل خانوادگی در این پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت.
نوفروستی	۱۳۹۱	جانبازان، آزادگان، همسران آزادگان و همسران شهدا	عوامل موثر بر اساس نتایج رگرسیون شامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، فعالیت‌های ارادی، درآمد و سلامت جسمانی است. همچنین بین متغیرهای سن، سطح تحصیلات و درآمد از یک طرف و میزان شادمانی از طرف دیگر رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. متغیرهای جنسیت و وضعیت تاهل نیز رابطه معنی‌داری با شادکامی ندارند.
بابانظری	۱۳۹۳	همسران شهدا، فرزندان شهدا، جانبازان، همسران جانبازان و فرزندان جانبازان از استان فارس	بین تمایل به انجام فعالیت‌هایی از قبیل ورزش و کتاب‌خوانی و فعالیت‌های مذهبی و سطح شادمانی رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین نگرش به فرهنگ ایثار و شهادت و شادمانی همین رابطه تأیید شده است. بین "متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات و درآمد" و "میزان شادمانی" رابطه معنی‌داری وجود ندارد اما بین سن و شادکامی رابطه منفی و معنی‌دار مشاهده می‌شود (نسل جدید روحیه، شادمانی و امید به زندگی بالاتری نسبت به نسل قدیم و در این میان فرزندان جانبازان، روحیه شادتری نسبت به بقیه دارند).

براساس دسته‌بندی لیوبومرסקی و همکاران [4] که در پژوهش نوفروستی [6] مبنای کار قرار گرفته است، در صورت تقسیم عوامل موثر بر شادکامی به ۳ دسته شامل ویژگی‌های شخصیتی، فعالیت‌های ارادی و شرایط زندگی، مشخص می‌شود که نقش عوامل مربوط به شرایط زندگی (جنسیت، سن، وضعیت تاهل، درآمد، تحصیلات و غیره) در تعیین سطح شادمانی افراد بسیار اندک است.

با مقایسه نتایج ۳ پژوهش مذکور، نتیجه گرفته شد که این عوامل نقش مبهم و بعضاً دوگانه‌ای در این پژوهش‌ها دارند. به‌عنوان مثال در تحقیق نوفروستی [6] بین سن و شادکامی رابطه مثبت و معنی‌دار اما در پژوهش بابانظری [9] این رابطه منفی و معنی‌دار مشاهده شد. هرچند که مقایسه این نتایج، با توجه به اینکه پژوهش‌های آنها در زمان‌ها و مکان متفاوتی صورت گرفته، خالی از اشکال نیست، اما موضوع مسلم این است که براساس نتایج پژوهش‌های فوق و همچنین سایر پژوهش‌های انجام شده در زمینه شادمانی، عامل سن و متغیرهای جمعیت‌شناختی دیگر و به‌طور کلی متغیرهایی که بیانگر شرایط زندگی افراد هستند، نقش موثری در تعیین سطح و درجه شادمانی افراد ندارند. علت این امر را محققان بیش از هر چیز به خوگیری و سازگاری افراد با این دسته از عوامل دانسته‌اند. حتی درآمد و تحصیلات نیز شامل خوگیری و عادی شدن در جریان زندگی هستند و این عوامل شاید در کوتاه‌مدت، نوساناتی در سطح شادمانی افراد به وجود آورند اما در درازمدت، نقش تعیین‌کننده خود را از دست می‌دهند.

عامل دیگر، ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، تعادل عاطفی، خلق مثبت، توانایی مقابله با استرس و غیره) است که برعکس عامل شرایط زندگی، تقریباً تمام پژوهش‌های قبلی انجام شده در ارتباط با خانواده‌های شاهد و ایثارگر نشان داده‌اند که این ویژگی‌ها، نقش موثر و معنی‌داری در شادمانی افراد ایفا می‌کنند. در پژوهش بختیار نصرآبادی [5]، این عوامل تحت عنوان

"عوامل فردی" و در پژوهش نوفروستی [6] تحت عنوان "عوامل شخصیتی" بررسی شدند که هر دو نشان دادند این عوامل بیش از هر عامل دیگری در تعیین سطح شادکامی افراد نقش دارند. آرگایل (یکی از نظریه‌پردازان نام‌آشنای روان‌شناسی شادی) نیز نقش عوامل مختلف شخصیتی را در افزایش یا کاهش سطح شادکامی افراد بسیار تعیین‌کننده می‌داند [15]. حال سؤال این است که تا چه حد می‌توان این عوامل را دست‌کاری کرد یا به اعضای خانواده‌های شهید و ایثارگر توصیه کرد که خود را با این ویژگی‌ها سازگار کنند؟ پاسخی که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در این زمینه می‌دهند این است که با توجه به اینکه این عوامل، خود تحت تأثیر عوامل دیگری (ژنتیکی و ارثی یا محیطی و بیرونی) هستند، تغییر دادن آنها هم بسیار زمان‌بر و هزینه‌بر است و هم در اثر تغییر در شرایط بیرونی و عدم توانایی کنترل آنها توسط فرد، احتمال برگشت به وضع پایه بسیار زیاد است. بنابراین با وجود اهمیت بالایی که چنین عواملی در تعیین سطح شادمانی افراد دارند، توصیه به تغییر و ارتقای چنین ویژگی‌هایی در افراد، شاید آنچنان که انتظار می‌رود مقرون به‌صرفه نباشد.

عامل سومی که در این میان، هم اثرگذاری بالا بر شادمانی دارد و هم توسط افراد قابل کنترل و مداخله است، "فعالیت‌های خودخواسته یا ارادی" هستند. اهمیت و ابعاد این عامل در پژوهش نوفروستی [6] به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج این پژوهش، برخی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که موجب ارتقای سطح شادمانی اعضای خانواده‌های شهید و ایثارگر می‌شود شامل ورزش، کتاب‌خوانی، فعالیت‌های مذهبی و صلح ارحام است. در پژوهش بابانظری [9] نیز فعالیت‌هایی از قبیل ورزش، کتاب‌خوانی و فعالیت‌های مذهبی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شادکامی افراد هستند. سلینگمن [13] از جمله صاحب‌نظران "روان‌شناسی مثبت" است که بر این عامل تأکید بسیار دارد. وی بر قابلیت‌هایی دست می‌گذارد که در نهاد افراد برای رسیدن به فضایل

اجرا و توصیه است، انجام برخی فعالیت‌های خودخواسته یا ارادی است که منجر به ارتقای سطح شادمانی افراد می‌شود. در پژوهش نوفرستی^[6] ۲۶ مورد از این فعالیت‌ها و میزان اثرگذاری آنها مورد بحث قرار گرفت. در بخش بحث و نتیجه‌گیری این نوشتار اشاره خواهد شد که در این زمینه بهتر است با انجام پژوهش‌هایی از نوع کیفی، به شناسایی و استخراج زمینه‌ها و عرصه‌هایی اقدام شود که اعضای خانواده‌های شاهد و ایثارگر عملاً به‌طور روزمره با آنها در ارتباط بوده و بنابراین می‌توان پیشنهاداتی مبنی بر این بستر به‌منظور ارتقای شادمانی آنها ارائه داد. این کار موجب می‌شود موانع و مضایقی که در این بستر موجب ضعف شادمانی آنها می‌شود نیز قابل شناسایی باشد.

ارزیابی اجزای روش‌شناختی پژوهش‌ها

در این بخش به عنوان یک گام روبه‌جلو و با ارزیابی و بازنمایی اجزای روش‌شناختی پژوهش‌های مذکور، درک عمیقی از فرآیند طی‌شده در این پژوهش‌ها به‌دست خواهد آمد و همچنین مسیرهای بدیل در این زمینه معرفی می‌شوند.

منبع اصلی مورد استفاده در این کار کتاب نورمن بلیکی^[14] تحت عنوان "طراحی پژوهش‌های اجتماعی" بود. این کتاب به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با نگاهی کلان‌نگر و در عین حال موشکافانه، عناصر عمده یک طرح پژوهش و همچنین گزینش‌هایی که در جریان یک پژوهش باید بدان دست زد را مورد فهم قرار داده و با رویکردی بازاندیشانه به پژوهش خود یا دیگران نظر افکنند. در ادامه، عناصر عمده و گزینش‌هایی که در فرآیند طراحی و اجرای سه پژوهش مذکور توسط پژوهشگران (به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه) دنبال شده است را در قالب یک جدول مقایسه‌ای ترسیم کرده و سپس عناصر روش‌شناختی و گزینه‌های بدیل دیگری که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد و احیاناً در سه پژوهش یادشده مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، یک‌به‌یک بحث شده‌اند (جدول ۳).

مشترک بشری (از جمله خرد، شجاعت، عشق، عدالت و معنویت) تعبیه شده است. اینها عمیق‌ترین و پایدارترین نوع شادمانی را موجب می‌شوند. از نظر سلینگمن^[13] استفاده هر روزه از این قابلیت‌ها، موجب داشتن یک "زندگی خوب" می‌شود و بالاتر از زندگی خوب، "زندگی معنی‌دار" است که مولفه دیگری را هم به آن اضافه می‌کند و آن پیوند قابلیت‌های اختصاصی هر فرد با ماهیتی بزرگتر است. زندگی معنی‌دار، استفاده از قابلیت‌های اختصاصی و فضیلت‌ها در خدمت چیزی بسیار بزرگتر از خود است.

حال که موضوع تا حدی مورد واکاوی و تدقیق بیشتر قرار گرفت، می‌توان با استفاده از نتایج همین پژوهش‌ها، وضعیت شادی و نشاط در خانواده شاهد و ایثارگر را مجدداً تبیین کرد؛ اولاً می‌توان پذیرفت نقش عوامل جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت و تاهل) و شرایطی مثل درآمد و تحصیلات در شادمانی چندان زیاد نیست و میزان موجود هم بین خانواده‌های شاهد و ایثارگر و خانواده‌های عادی تفاوت چندانی ندارد. در مورد ویژگی‌های فردی و شخصیتی می‌توان گفت در خانواده‌های شهید و ایثارگر به‌دلیل درگیربودن اعضا با بسیاری از آسیب‌های ناشی از جنگ، احتمالاً آثار مخرب و زیانبار آن به‌مرور، ویژگی‌های شخصیتی بازماندگان را نیز تحت تاثیر قرار داده است. این موضوعی است که باید توسط پژوهشگرانی که پژوهش‌های فوق را به انجام رساندند، مد نظر قرار می‌گرفت که متأسفانه بدان پرداخته نشده است. بنابراین با توجه به اینکه یکی از پیامدهای زیانبار جنگ، تغییر تدریجی در الگوی پایه شخصیت و خلق و خواهی افراد است، لازم بود در همان اوان جنگ اقدامات پیشگیرانه در این زمینه صورت می‌گرفت. در حال حاضر هم هرچند دستکاری بادوام شخصیت افراد در این زمینه کار آسانی به‌نظر نمی‌رسد، ولی از طریق برخی آموزش‌ها از قبیل سازوکارهای مقابله و سازگاری با واقعیت می‌توان از اثرگذاری برخی ویژگی‌های شخصیتی ناشادکننده بر جریان زندگی و به‌خصوص انتقال چنین ویژگی‌هایی از نسل گذشته به نسل‌های بعدی جلوگیری کرد. عامل دیگر که بر شادمانی تاثیر زیادی داشته و بیش از همه عوامل قابل

جدول ۳) عناصر و ابعاد روش‌شناختی پژوهش‌های مورد مطالعه

عنوان پژوهش	پژوهش بختیار نصرآبادی	پژوهش نوفرستی	پژوهش بابانظری
۱- جهت‌گیری پژوهش	بنیادی	بنیادی	بنیادی
۲- نقش پژوهشگر	مشاهده‌گر منفصل	مشاهده‌گر منفصل	مشاهده‌گر منفصل
۳- نوع پرسش پژوهش	چرایی	چرایی	چرایی
۴- نوع هدف پژوهش	تبیین	توصیف و تبیین	تبیین
۵- استراتژی پژوهش	قیاسی	قیاسی	قیاسی
۶- طرح پژوهش	آزمایش و پیمایش	پیمایش	پیمایش
۷- سنت مفهوم‌شناختی	عملیاتی‌سازی	عملیاتی‌سازی	عملیاتی‌سازی
۸- وجود مدل و چارچوب مفهومی یا نظری	خیر	بلی	خیر
۹- محیط اجتماع مورد مطالعه	نیمه‌طبیعی	نیمه‌طبیعی	نیمه‌طبیعی
۱۰- شیوه انتخاب داده‌ها	نمونه‌گیری احتمالی	نمونه‌گیری احتمالی	نمونه‌گیری احتمالی
۱۱- زمان‌بندی گردآوری داده‌ها	تک‌مقطعی	تک‌مقطعی	تک‌مقطعی
۱۲- روش گردآوری داده‌ها	کمی	کمی	کمی
۱۳- فن گردآوری داده‌ها	پرسش‌نامه	پرسش‌نامه	پرسش‌نامه

۲- نقش پژوهشگر می‌تواند مشاهده‌گر منفصل، مشاهده‌گر همدل، گزارشگر وفادار، میانجی زبان‌ها، شریک متفکر، آگاهی‌بخش و تسهیل‌کننده گفت‌وگو باشد. نقش‌های ذکرشده همراه با جزییات آن توسط بلیکی^[14] شرح داده شده است اما در اینجا تنها به این نکته اشاره می‌شود که یک مشاهده‌گر منفصل، ناظر بی‌طرف و خنثایی است که عقیده دارد باید با عینیت کامل فرآیند پژوهش را طی کرده و ارزش‌ها و ترجیحات خود را وارد پژوهش به‌خصوص در

۱- جهت‌گیری پژوهش می‌تواند بنیادی یا کاربردی باشد. پژوهش‌های بنیادی در پی پیش‌برد معرفت بنیادی درباره جهان اجتماعی و به‌خصوص در پی ساختن و آزمودن نظریه‌ها هستند اما پژوهش‌های کاربردی متوجه نتایج عملی و در پی اصلاحات و تغییرات هستند. با توجه به این تعریف بلیکی می‌توان اظهار کرد که هیچ یک از سه پژوهش نامبرده از نوع کاربردی نمی‌باشند و هر سه، در دسته پژوهش‌های بنیادی قرار دارند.

مرحله گردآوری داده‌ها نکند. با توجه به طرح اتخاذ شده در هر یک از پژوهش‌های مذکور، نقش پژوهشگران محدود به "مشاهده‌گر منفصل" بوده است و سعی کردند خود را به‌میدان تجربه و زندگی روزانه اعضای خانواده‌های شهید و ایثارگر نزدیک نسازند.

۳- پرسش‌های پژوهش را می‌توان در سه نوع اصلی دسته‌بندی کرد؛ پرسش‌های "چیست؟"، "چرا؟" و "چگونه؟" که هر کدام از این پرسش‌ها به‌ترتیب ناظر بر یکی از اهداف (توصیف، تبیین/فهم و تغییر) هستند. از نظر توالی و ترتیب در فرآیند پژوهش، پرسش‌های "چه؟" قبل از پرسش‌های "چرا؟" و پرسش‌های "چگونه؟" پس از پرسش‌های "چرا؟" می‌آیند^[14]. از بین سه پژوهش مذکور، تنها پژوهش نوفرستی^[6] به‌دنبال پاسخ به سؤال "چیستی" و ارزیابی از وضعیت شادی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر بوده است. همچنین هر سه پژوهش از پاسخ به سؤال "چرایی" یا فراتر نگذاشته‌اند.

۴- نوع هدف پژوهش شامل اکتشاف، توصیف، تبیین، فهم، پیش‌بینی، تغییر، ارزیابی و برآورد تأثیر است. یک پروژه تحقیقاتی می‌تواند فقط یکی از این اهداف یا چندهدف را به‌ترتیب تعقیب کند. بلیکی^[14] به‌طور مفصل این اهداف و رابطه آن با پرسش‌های پژوهش را تشریح کرده است اما آنچه که مسلم است این است که کانون توجه هر سه پژوهش مورد مطالعه دستیابی به هدف "تبیین" بوده است، با این تفاوت که پژوهش نوفرستی^[6] هدف "توصیف" را نیز دنبال کرده است.

۵- استراتژی پژوهش می‌تواند استقرایی، قیاسی، پس‌کاوی و استفه‌می باشد. از دیدگاه بلیکی^[14] برگزیدن یک استراتژی پژوهش، پایه و اساس هر طرح پژوهشی است. استراتژی‌های پژوهش، روش‌های متفاوتی برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش به‌دست می‌دهند که شامل مشخص کردن یک نقطه شروع، مراحل کار و یک نقطه پایان است. هر استراتژی مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی خاص خود را دارد. به‌عنوان مثال استراتژی پژوهش قیاسی، هستی‌شناسی "واقع‌گرا" را می‌پذیرد. در اینجا فرض بر این است که پدیده‌های اجتماعی مستقل از مشاهده‌گر و کنشگران اجتماعی وجود دارند؛ پژوهش‌های اجتماعی برای کشف و توصیف توالی‌های منظم یا الگوهای موجود در این واقعیت انجام می‌گیرند و عناصر همین واقعیت تعیین‌کننده رفتار اجتماعی‌اند اما در مورد استراتژی پژوهش استفه‌می، اوضاع تا حدی فرق می‌کند زیرا مفروضات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آنها بسیار متفاوتند. در این نوع نگرش، واقعیت اجتماعی موجودیتی مستقل از "معرفت" کنشگران اجتماعی تولیدکننده و بازتولیدکننده واقعیت ندارد. کاملاً روشن است که هر سه پژوهش مورد مطالعه، استراتژی قیاسی را در فرآیند کلی پژوهش خود اتخاذ کرده‌اند.

۶- طرح پژوهش می‌تواند پیمایش، آزمایش، مطالعه موردی و غیره باشد. بخش زیادی از کتاب‌های روش تحقیق به شرح این طرح‌های پژوهشی اختصاص داده شده‌اند و ضمناً هر کدام، دسته‌بندی متفاوتی از این طرح‌ها ارائه داده‌اند. بلیکی^[14] انتخاب طرح پژوهش را به‌انتخاب استراتژی پژوهش وابسته می‌داند. هر سه پژوهش یادشده طرح پیمایش را برای کار میدانی و عملی خود برگزیده‌اند و تنها تفاوت به پژوهش بختیارنصرآبادی^[5] مربوط بوده که از آزمایش نیز در خلال پیمایش استفاده کرده است.

۷- سنت مفهوم‌شناختی می‌تواند هستی‌شناختی، عملیاتی‌سازی، حساس‌سازی و هرمنیوتیکی باشد. سنت عملیاتی‌سازی با مشخص‌ساختن و اندازه‌گیری مفاهیم برای ساختن متغیرهایی

برای پروژه پژوهشی خاص سروکار دارد. در این سنت گفته می‌شود که علم دارای دو زبان "مفهوم‌پرداز" و "آزمون تجربی یا عملیاتی‌سازی" است. در این سنت، رابطه خاصی میان نظریه و پژوهش برقرار می‌شود. فعالیت نظری اساساً درباره شناسایی پرثمرترین مفاهیم و یافتن معانی صوری درست برای آنهاست، در حالی که پژوهش متوجه انتخاب بهترین روش عملیاتی‌کردن یک مفهوم و سپس جمع‌آوری داده‌های مناسب و تحلیل آنهاست. با این توضیحات می‌توان به‌روشنی مشاهده کرد که مبنای مفهوم‌شناختی مورد استفاده در هر سه پژوهش یادشده، سنت عملیاتی‌سازی بوده است. این در حالی است که بخش عمده‌ای از شادمانی و نشاط، ویژگی‌های ثابتی ندارند که محقق آنها را با ابزارهای تحمیلی از بیرون، مورد سنجش قرار دهد. با توجه به اینکه بخشی از مفهوم شادمانی دارای پایه‌های ثابت زیستی-روانی است و بخش دیگر آن به نظام ارزشی و فرهنگی و تجربه زیسته افراد در اجتماع بستگی دارد، بهتر است از سنت "حساس‌سازی" برای مطالعه این مفهوم میان خانواده‌های شاهد و ایثارگر استفاده شود.

۸- حال که روشن شد استراتژی هر سه پژوهش فوق قیاسی بودند، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا آنها از نظریات به‌درستی استفاده کردند یا خیر؟ ارزیابی‌ها در این زمینه نشان داد از میان سه پژوهش مرور شده، تنها پژوهش نوفرستی^[6] از یک چارچوب نظری منسجم استفاده کرده و دو پژوهش دیگر هرچند نظریاتی را مرور کردند اما این نظریات را در یک منظومه منسجم قرار نداده یا حداقل رویکرد و نوع نگاه خود را در نظریه‌های مختلف، روشن نساخته‌اند. چارچوب نظری پژوهش نوفرستی^[6] بر نتایج تحقیقات لیویورسکی و همکاران^[4, 7, 8] که سال‌ها روی موضوع شادی و عوامل موثر بر آن کار کرده‌اند، مبتنی بود.

۹- محیط اجتماع مورد مطالعه می‌تواند طبیعی، نیمه‌طبیعی، مصنوعی، محصولات و مصنوعات اجتماعی باشد. پژوهش اجراشده در یک محیط اجتماعی طبیعی، مستلزم آن است که پژوهشگر وارد بخشی از فعالیت اجتماعی شود و مردم مشغول زندگی روزانه خود را بررسی کند. در محیط نیمه‌طبیعی، از افراد خواسته می‌شود که درباره فعالیت‌هایی که در محیط‌های طبیعی انجام می‌دهند صحبت کنند، حال آنکه در یک محیط مصنوعی فعالیت اجتماعی از روی طرح و نقشه و با هدف آموزشی یا آزمایشی پیاده می‌شود. چهارمین نوع محیط اجتماعی به گذشته تعلق دارد و شامل بررسی علایم یا نشانه‌های به‌جامانده از افراد یا گروه‌ها است. هر سه محیط مورد مطالعه در پژوهش‌های یادشده از نوع نیمه‌طبیعی بودند. شاید بیان شود که پژوهش بختیارنصرآبادی^[5] که با روش‌های آزمایش و پیمایش مطالعه خود را انجام داده، در محیط مصنوعی کار شده است، اما به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه این پژوهش از نوع آزمایش به‌معنای ناب آن نبوده و وجه پیمایش در آن بر وجه آزمایش غلبه داشت، نمی‌توان آن را از نوع مصنوعی قلمداد کرد. نقدهایی بر استفاده از روش آزمایش در این پژوهش وارد است که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد.

۱۰- شیوه انتخاب داده‌ها به‌صورت نمونه‌گیری یا سرشماری می‌تواند باشد. هر سه پژوهش مورد مطالعه از شیوه نمونه‌گیری احتمالی برای انتخاب داده‌ها استفاده کردند.

۱۱- زمان‌بندی گردآوری داده‌ها می‌تواند تک‌مقطعی، طولی یا تاریخی باشد. از نظر زمان‌بندی گردآوری داده‌ها، هر سه پژوهش از نوع تک‌مقطعی بودند. در پژوهش بختیارنصرآبادی^[5] هرچند اظهار شده که از روش آزمایش استفاده شده است، اما در این پژوهش صرفاً پس‌آزمونی انجام شد که دو گروه آزمایش و کنترل را مقایسه

که هدف، بررسی شادمانی میان قشر خاصی از جامعه است که بعضاً شادمانی و به‌طور کلی روحیات و خلقیات‌شان کیفیت خاص خود را دارد، پژوهشگر نمی‌تواند نسبت به معرفت و شواهدی که تولید می‌کند خنثی، عینی‌گرای محض یا منفصل از بستر پژوهش باشد. البته در اینجا در این مقام نیستیم که به‌نقد روش‌های کمی مرسوم بپردازیم که با سنج‌های بین‌المللی، میزان و سطح شادمانی افراد را مطالعه و حتی عوامل موثر بر آن را نیز به‌همین سیاق و براساس نظریه‌های قبلی مورد شناسایی قرار می‌دهند و در پژوهش پیاده می‌کنند؛ بنابراین هدف آن است که تنها نادیده‌انگاری و غفلت از جایگزین‌های روش‌شناختی که جای خالی آن در این دست از پژوهش‌ها به‌چشم می‌خورد، یادآوری شود.

با مرور سه پژوهش یادشده می‌توان استدلال کرد که هر سه مبتنی بر منطق و الگوی روش‌شناختی مشابه و مشترکی (منطق قیاسی و روش کمی) هستند که هرچند نتایج حدقلی به‌دنبال داشتند، اما به‌دلیل نادیده‌گرفتن (آگاهانه یا ناآگاهانه) الگوها و روش‌های بدیل آن (به‌خصوص استراتژی استفاده‌ی و روش کیفی)، اولاً قادر نبوده‌اند آن چنان که اقتضا می‌شود "چیستی" شادمانی را بین خانواده‌های شهید و ایثارگر بررسی کنند، ثانیاً برای تبیین و پاسخ به سؤال "چرایی" یا عوامل موثر بر شادمانی در خانواده‌های شاهد و ایثارگر، با توجه به اینکه از شیوه قیاسی و آزمون نظریات موجود استفاده کردند، نتایج و عوامل شناسایی‌شده در این پژوهش‌ها برخاسته از تجربه و درک واقعی افراد از زندگی فردی و اجتماعی اعضای خانواده‌های شاهد و ایثارگر نبوده و بنابراین در پاسخ به سئوالات از نوع "چگونگی" نیز به‌منظور تغییر و بهبود وضعیت شادمانی در این خانواده‌ها، قادر به ارائه پیشنهادات غنی و پرمایه‌ای نخواهند بود.

سؤال اصلی که پاسخ آن برای یک مدیر یا سیاست‌گذار بنیاد شهید و امور ایثارگران در این حوزه می‌تواند به‌کار رود این است که "در میان اعضای خانواده‌های شاهد و ایثارگر چه می‌گذرد که تعیین‌کننده بخش مهم و احتمالاً مغفول شادمانی آنها است؟". پاسخ به این سؤال مستلزم پژوهش یا پژوهش‌های دیگری است، بنابراین عجلتاً می‌توان گفت مولفه‌های پیرو در جریان پاسخ به این سؤال مانند ماهیت انتظارات افراد تحت پوشش از بنیاد شهید، درک افراد تحت پوشش بنیاد از نگرش و رفتار افراد عادی جامعه از آنها، تعارض پنداشته‌شده بین آرمان‌ها و ارزش‌های ایثار و شهادت از یک‌سو و سبک زندگی فاصله‌دار از آن آرمان‌ها از سوی دیگر، راهبردهای غلبه بر مشکلات ناشی از فقدان یا معلولیت سرپرست خانوار و غیره از این دست هستند.

بنابراین ادعای نگارندگان آن است که بهتر است موضوع شادمانی را، به‌خصوص اگر کانون توجه بر جمعیت‌هایی خاص از قبیل خانواده‌های شاهد و ایثارگر است و پیشینه نظری و تجربی چندانی در آن گروه خلق نشده است، با رویکردی پدیدارشناختی و در بستر تجربه و درک روزمره افراد از حیات خصوصی و عمومی آنها مطالعه شود. چنین رویکردی، این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که عوامل ویژه موثر بر شادی و رضایت‌مندی را براساس بافت اجتماعی جامعه مورد مطالعه، استخراج و درنهایت، راهکارها و پیشنهادات غنی و پرمایه‌ای به‌منظور تغییر و بهبود وضعیت شادمانی در آن گروه ارائه دهد.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

سهم نویسندگان: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

کرد. با این اوصاف نمی‌توان این پژوهش را در زمره پژوهش‌های طولی به‌شمار آورد.

۱۲- روش گردآوری داده‌ها کمی یا کیفی است. تمایز کمی/کیفی بیش از هر چیز به دو نوع داده‌ای که در جریان پژوهش باید جمع‌آوری و تحلیل شود، اشاره دارد که شامل داده‌های عددی و داده‌های کلامی هستند. با توجه به اینکه در هر سه پژوهش مورد مطالعه از داده‌های عددی برای تجزیه و تحلیل‌ها استفاده شده است، می‌توان آنها را کمی دانست.

۱۳- فن گردآوری داده‌ها می‌تواند مشاهده، پرسش‌نامه، تحلیل محتوی، مصاحبه کانونی، ژرف و غیره باشد. هر سه پژوهش ذکرشده از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌های خود استفاده کردند. هرچند که هر یک از این فنون، می‌تواند داده‌های قانع‌کننده‌ای در یک زمینه گردآوری کند اما اگر در یک پژوهش بتوان بیش از یکی از آنها را برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار داد، ضمن اعتبارسنجی بیشتر داده‌ها، پژوهشگر با داده‌های غنی‌تری به‌منظور تبیین، تفسیر و مقایسه نتایج روبه‌رو است.

نتیجه‌گیری

با ارزیابی و مقایسه کلی ابعاد روش شناختی سه پژوهش مرورشده در این جستار، روشن شد که هر سه پژوهش در یک پارادایم و منطق پژوهشی (از نوع قیاسی) عمل کردند. در این منطق، این نظریات هستند که الگویی برای تبیین پدیده مورد نظر ارائه می‌دهند و آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد، معرفی متغیرهایی برگرفته از نظریات قبلی و تدوین فرضیات تحقیق براساس آنهاست. از این بابت باید گفت که این وضعیت از یک‌سو یک مزیت و قوت دارد و از سوی دیگر وجود غفلت‌هایی را به‌ما گوشزد می‌کند. مزیت انجام چنین پژوهش‌هایی این است که از تراکم آنها انجام فراتحلیل و مقایسه‌های دقیق‌تر فراهم شده و می‌توان از سرجمع آنها به‌یک سری گزاره‌ها و قضاوت‌های نسبتاً منسجم و معتبری دست یافت که این به نوبه خود موجب می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران راهبردی بتوانند از نتایج این فراتحلیل‌ها استفاده کنند. در این پژوهش نیز سعی شد با وجود تعداد اندک پژوهش‌ها و فرضیات مشترک که انجام فراتحلیل را امکان‌ناپذیر ساخت، به‌جمع‌بندی و مقایسه نتایج این سه پژوهش با روش استدلال منطقی و استناد به گزارش‌هایی یا مقالات این پژوهش‌ها اقدام شود. جمع‌بندی این نتایج در بخش قبل تشریح شد و بنابراین در اینجا از شرح مجدد آنها خودداری می‌شود. اما سوی دیگر چنین وضعیتی که در اینجا باید مورد بحث قرار گیرد، نادیده‌گرفتن و عدم عنایت به‌انواع دیگر شیوه‌ها و روش‌هایی است که شایسته توجه بودند.

مروری بر پژوهش‌های یادشده نشان می‌دهد که به‌جز در بخش‌های ابتدایی و انتهایی پژوهش آنها، اشاره چندانی به‌وضعیت خاص جامعه مورد مطالعه یعنی اعضای خانواده‌های محترم شهدا و ایثارگر، نشده است. به تعبیر دیگر این پژوهش‌ها می‌توانست در ارتباط با هر قشر دیگری مثلاً کارمندان، دانشجویان، خانواده‌های معلول و غیره انجام گیرد بدون اینکه در مبانی نظری، مفهومی و روشی آنها تغییر اساسی ایجاد شود. جست‌وجو و بررسی پژوهش‌های خارج از سفارش بنیاد شهید که موضوع شادمانی در خانواده‌های تحت پوشش این بنیاد را مورد هدف قرار داده‌اند، طی همین مسیر رایج از سوی پژوهشگران نشان می‌دهد. این در حالی است که موضوع شادمانی که بخش زیادی از آن، تفسیرپذیر بوده و معنای آن باید در جریان زندگی روزانه استخراج شود، آن هم وقتی

triumphs and defeats. *J Pers Soc Psychol.* 2006;90(4):692-708.

8- Lyubomirsky S. *The how of happiness: A scientific approach to getting the life you want.* New York: Penguin Publishing Group; 2007.

9- BabaNazri L. Investigating the factors affecting spiritual strengthening, increasing vitality and prosperity and life expectancy in Veterans family families in Fars province [Internet]. Tehran: Department of Education staff martyr Foundation and Veterans Affairs; 2014. [cited 2018 May 1]. Available from: <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/706110>. [Persian]

10- Mousavi SM. *Happiness: Theoretical approaches and empirical findings.* Tehran: Teesa; 2013. [Persian]

11- Schyns P. Crossnational differences in happiness: Economic and cultural factors explored. *Soc Indic Res.* 1998;43(1-2):3-26.

12- Azkia M, Tavakoli M. Meta analysis of job satisfaction in educational organizations. *Nameh-Ye Olum-e Ejtemai.* 2006;27:1-26. [Persian]

13- Seligman MEP. *Authentic happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfillment.* Tabrizi M, Karimi R, Niloufari A, translators. Tehran: Danjeh; 2010. [Persian]

14- Belaikie NWH. *Designing social research: The logic of anticipation.* Cavoshiyan H, translator. Tehran: Nashr-e Ney; 2008. [Persian]

15- Argyle M. *The psychology of happiness.* 2nd Edition. London: Routledge; 2001.

منابع

1- Chalabi M, Mousavi SM. A sociological analysis of happiness, at micro-and macro-levels. *Iran J Sociol (ISA).* 2008;9(1-2):34-57. [Persian]

2- Galati D, Manzona M, Sotgiu I. The subjective components of happiness and their attainment: A cross-cultural comparison between Italy and Cuba. *Soc Sci Inf.* 2006;45(4):601-30.

3- Schumaker JF. *In search of happiness: Understanding an endangered state of mind.* Karami A, translator. Tehran: Mazmoun; 2012. [Persian]

4- Lyubomirsky S, Sheldon KM, Schkade D. Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Rev Gen Psychol.* 2005;9(2):111-31.

5- Bakhtyar NasrAbadi H. The effect of education on fordyce's happiness program on increasing the happiness of the children of martyrs, heroes and their families in Chaharmahal va Bakhtiari Province. Tehran: Department of Education staff martyr Foundation and Veterans Affairs; 2008. Report No.: 100463,1387. [Persian]

6- Nofersti A, Ganji N, Soleymani AA. Predicting happiness among Iranian veterans. *Knowl Res Appl Psychol.* 2016;17(4):50-8. [Persian]

7- Lyubomirsky S, Sousa L, Dickerhoof R. The costs and benefits of writing, talking, and thinking about life's